

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشکده علوم حدیث

پایان نامه

کارشناسی ارشد

رشته علوم حدیث

گرایش تفسیر اثری

عنوان پایان نامه

جایگاه و کاربرد سنت در تفسیر قرآن به قرآن

استاد راهنما

حجت الاسلام دکتر کاظم قاضی زاده

استاد مشاور

دکتر شادی نفیسی

دانشجو

مصطفی سلیمی زارع ۱۷ / ۱۱ / ۱۳۸۸

ماه و سال دفاع

بهمن ۱۳۸۷

کتابخانه مرکزی
تبریز

۱۳۱۲۴۱

تمام حقوق این اثر متعلق به دانشکده علوم حدیث است

باسمہ تعالیٰ

پایان نامہ آقای مصطفی سلیمی زارع دانشجوی دورہ کارشناسی ارشد رشتہ علوم حدیث

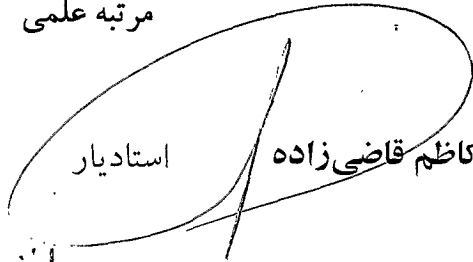

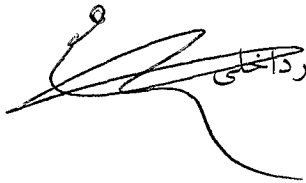
گرایش تفسیر اثری تحت عنوان جایگاہ و کاربرد سنت در تفسیر قرآن بہ قرآن

تہیہ و در جلسہ دفاعیہ تاریخ ۸۷/۱۲/۱۴ با درجہ عالی (۲۰-۱۸) ✓

بسیار خوب (۱۶-۱۸) O خوب (۱۴-۱۶) O ضعیف (۱۲-۱۴) O

غیر قابل قبول (زیر ۱۲) O بہ تأیید ہیأت داوران رسید.

ہیأت داوران :

سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبہ علمی	امضا
استاد راہنما	حجت الاسلام دکتر کاظم قاضی زادہ	استادیار	
استاد مشاور	خانم دکتر شادی نفیسی	استادیار	
استاد داور	حجت الاسلام دکتر محمدعلی مہدوی راد	دانشیار داخلی	

تقدیم

این اثرِ هر چند ناچیز را به کسی
تقدیم می‌دارم که در طول انجام
آن یاور من بود،
همسرم.

قدردانی

خدا را شاکرم از آن رو که هر چه داریم از اوست و نیز از
یاورانم، استادان راهنما و مشاور، حجت الاسلام دکتر کاظم
قاضی زاده و سرکار خانم دکتر نفیسی، که از راهنمایی‌های
ارزنده‌شان در این تحقیق، بهره‌ فراوان بردم.
از استادان عزیزم که در طول ایام تحصیل، بسیار از آنان
آموختم.
از پدر و مادرم، همسرم و تمام دوستانی که در به سرانجام
رسیدن این تحقیق، بنده را یاری نمودند.
از خداوند منان برای آنها، طول عمر با عزت و عاقبت به
خیری در دنیا و عقبا را خواستارم.

چکیده

درباره جایگاه سنت در شریعت دیدگاه‌هایی مطرح شده است. دیدگاه مشهور میان فریقین آن است که سنت در کنار قرآن از جایگاه مهمی برخوردار بوده و در کنار قرآن به عنوان ثقل اصغر به ایفای به تبیین آموزه‌های شریعت می‌پردازد. اما در کنار این دیدگاه، دو دیدگاه افراطی و تفریطی نیز وجود دارد. دیدگاه تفریطی که به «قرآنیون» مشهورند، هیچ اعتباری برای سنت قائل نیستند. دیدگاهی دیگر نیز توجهی افراط‌گونه به سنت داشته و ملاک عمل را وجود احادیث، که حکایتگر سنت است، دانسته‌اند.

در حوزه تفسیر قرآن نیز روش تفسیری قرآن به قرآن از جایگاهی مهم برخوردار است. اما پیروان این شیوه تفسیری در استفاده اندک یا بیشتر آیات در تفسیر قرآن، رویکردهای متفاوتی دارند. اینان بر پایه این روش تفسیری، برخوردهای متفاوتی در مواجهه با سنت داشته‌اند. در این حوزه نیز دو دیدگاه مطرح است: دیدگاه نخست: بی‌نیازی قرآن از سنت و نفی کلی کارکرد احادیث در تفسیر قرآن؛ این دیدگاه، به گونه افراطی هیچ کارکردی را برای سنت قائل نبوده، در عرصه تفسیر آیات نیز هیچ استفاده‌ای از سنت ندارند. از جمله طرفداران آن می‌توان به ابوزید الدمهوری صاحب تفسیر «*الهدایه و الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*» نام برد. دیدگاه دوم: بی‌نیازی قرآن از سنت و پذیرش نسبی کارکرد روایات در تفسیر آیات.

در این دیدگاه به صورت اعتدال‌گونه‌ای به سنت نیز بها داده شده است. از جمله طرفداران این دیدگاه می‌توان به علامه طباطبایی (رحمه الله) صاحب تفسیر *المیزان* و نیز آیت الله صادقی تهرانی صاحب تفسیر «*الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*» نام برد. اگر چه بر اساس گفته‌های ایشان، در مقام تفسیر قرآن از هیچ منبع دیگری نباید استفاده کرد و قرآن در این مقام بی‌نیاز از غیر است، اما با بررسی رویکرد عملی آنها در مقام تفسیر، روشن شد که ایشان از سنت در عرصه‌های مختلفی استفاده کرده‌اند. از این رو، باید گفت این مفسران در کنار روش تفسیری قرآن به قرآن نقش سنت را نادیده نگرفته‌اند.

با بررسی نمونه‌های مختلف روشن شد که کارکردهای سنت در تفاسیر آنان، که به عنوان مهم‌ترین تفاسیر قرآن به قرآن شهره‌اند، را می‌توان در سه حوزه زیر خلاصه کرد: ۱- تبیین و تفسیر آیات؛ ۲- بیان جزئیات و تفاسیل آیات؛ ۳- تأیید و تأکید مضامین.

از اینرو دیدگاه مطلوب در عرصه تفسیر قرآن آن است که سنت در کنار استفاده از آیات در مقام تفسیر قرآن در سه حوزه پیش‌گفته کارایی دارد و طبق ضوابط خاص خود، باید از آن بهره جست.

واژگان کلیدی: سنت، تفسیر، روش‌های تفسیری، تفسیر قرآن به قرآن، کارکردهای سنت

فهرست

فصل اول: کلیات و تعاریف.....	۵
بخش نخست: تفسیر.....	۵
۱-۱- معنای تفسیر.....	۵
۱-۲- ضرورت تفسیر.....	۸
بخش دوم: سنت.....	۹
۱-۲- معنای سنت.....	۹
۲-۲- دیدگاه‌ها درباره تعریف سنت.....	۱۳
۳-۲- حدیث و رابطه آن با سنت.....	۱۵
فصل دوم: تفسیر قرآن به قرآن.....	۱۷
بخش اول: تعریف، پیشینه و جایگاه تفسیر قرآن به قرآن.....	۱۸
۱-۱- تعریف.....	۱۸
۲-۱- پیشینه تفسیر قرآن به قرآن.....	۲۰
۳-۱- جایگاه روش تفسیری قرآن به قرآن در میان روش‌های تفسیری.....	۲۳
بخش دوم: دلایل پیروان روش تفسیری قرآن به قرآن.....	۲۶
۱-۲- دلایل قرآنی.....	۲۶
۲-۲- دلیل روایی.....	۳۶
۳-۲- سیره عقلا.....	۴۱
۴-۲- سیره عملی پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام)، صحابه و تابعان.....	۴۳
بخش سوم: دلایل ناقدان روش تفسیری قرآن به قرآن.....	۵۰
۱-۳- نقد برخی دلایل شیوه تفسیر قرآن به قرآن.....	۵۰

- ۲-۳ اشکالات دیگر شیوة تفسیری قرآن به قرآن..... ۵۸
- فصل سوم: جایگاه سنت..... ۶۹
- بخش اول: جایگاه سنت از دیدگاه قرآن و روایات..... ۷۰
- ۱-۱ جایگاه سنت از دیدگاه قرآن..... ۷۱
- ۲-۱ جایگاه سنت از دیدگاه روایات..... ۷۴
- بخش دوم: رابطه قرآن و سنت..... ۷۶
- ۱-۲ زمینة‌های ارتباط سنت با قرآن..... ۷۶
- ۲-۲ ارزش مقایسه‌ای حجیت قرآن و سنت..... ۸۰
- بخش سوم: جایگاه سنت در شریعت از دیدگاه عالمان..... ۸۳
- ۱-۳ قرآن بسندگی..... ۸۴
- ۲-۳ دیدگاه سنت بسندگی (اخباریان)..... ۹۱
- ۳-۳ دیدگاه دوگانه محوری (اعتبار قرآن و سنت هر دو)..... ۹۷
- حرف پایانی این بحث..... ۱۰۳
- بخش چهارم: جایگاه سنت در تفسیر قرآن (از دیدگاه پیروان روش تفسیری قرآن به قرآن)..... ۱۰۴
- ۱-۴ دیدگاه علامه طباطبایی (رحمه الله)..... ۱۰۸
- ۲-۴ دیدگاه آیت الله جوادی أملی..... ۱۱۷
- ۳-۴ دیدگاه دکتر صادقی تهرانی..... ۱۲۲
- ۴-۴ دیدگاه ابوزید الدنهوری..... ۱۲۷
- ۵-۴ دیدگاه عبدالکریم خطیب..... ۱۳۰
- جمع‌بندی دیدگاه‌ها..... ۱۳۱
- الف) بی‌نیازی قرآن از سنت و نفی کلی کارکرد احادیث در تفسیر قرآن..... ۱۳۱

۱۳۳	بی‌نیازی قرآن از سنت و پذیرش نسبی کارکرد روایات در تفسیر آیات
۱۳۷	فصل چهارم: کارکرد سنت در تفاسیر قرآن به قرآن
۱۳۸	بخش اول: تفسیر المیزان
۱۳۸	۱-۱- آشنایی مختصر با تفسیر
۱۴۰	۲-۱- کارکردهای سنت در تفسیر المیزان
۱۴۰-۶۴	بخش دوم: تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه
۱۶۴	۱-۲- آشنایی مختصر با تفسیر
۱۶۶	۲-۲- کارکردهای سنت در تفسیر الفرقان
۱۷۶	جمع‌بندی بحث
۱۸۰	کتابنامه
۱۸۰	صفحه عنوان عربی
۱۸۱	چکیده عربی

چکیده انگلیسی

صفحه عنوان انگلیسی

مقدمه

قرآن، این کتاب سترگ هدایتگر و نور، تفسیرهای مختلفی را در طول زمان به خود دیده است. یکی از روش‌های برخی از این تفاسیر، استفاده از خود آیات قرآن برای تبیین و تفسیر آیات دیگر بوده است. این روش در برخی از تفاسیر به گونه‌ای افراطی لحاظ شده است، به گونه‌ای که برخی از پیروان آن، استفاده از هیچ منبع دیگری جز قرآن را در تفسیر آیات جایز نمی‌دانند و در تفسیر خویش نیز بر همین اساس، عمل کرده‌اند. با توجه به اینکه سنت، اعم از سنت نبوی (صلی الله علیه و آله) و سنت ائمه اطهار (علیهم السلام)، در کنار قرآن، اصلی جدانشدنی از سوی اولیای دین معرفی و بر آن تأکید شده است، این پرسش نمایان می‌شود، که چرا اینان در تفاسیر خویش، بهایی به سنت نداده و عملاً آن را به کناری نهاده‌اند.

تعریف مسئله

در شیوه تفسیر قرآن با قرآن همانگونه که طرفداران آن گفته‌اند معیار و مبنای تفسیر خود آیات هستند. ارتباط آیات با یکدیگر و نگاه متقابل آنها به هم، از نظر مفسران این سبک، مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهد که فهم مقاصد و مدالیل آیات را بی‌نیاز از ابزارهای دیگر می‌سازد. از نظر آنان حتی جایگاه سنت، نیز نادیده گرفته شده است.

بر این اساس، نقش و جایگاه سنت از دیدگاه کسانی که این شیوه تفسیری را دأب خویش قرار داده‌اند چیست؟ آیا می‌توان در این شیوه تفسیری برای سنت، نقشی در تبیین و تفسیر آیات قائل شد و به آن به دیده‌یک ضرورت نگاه کرد. آیا در تفاسیر آنان، سنت هیچ کارکردی ندارد؟ یا آنکه در مقام تفسیر آیات هرگونه نیازمندی به عناصر بیرونی از جمله سنت نفی می‌شود.

پیشینه علمی

روش تفسیر قرآن به قرآن از جمله روشهایی است که در منابع روایی و تفسیری ما - هر چند به اجمال - قابل ردیابی است. ولی در قرن معاصر این شیوه تفسیری از جایگاه مهمی برخوردار شد و در واقع، بازگشت به این شیوه پس از یک دوره فترت رخ داده است. کسانی چون علامه طباطبایی را طلایه‌دار این گروه مفسران در قرن معاصر دانسته‌اند. برخی از مفسران برآنند که این روش می‌تواند یکی از روشهای صحیح در

تفسیر قرآن باشد و در برخی از آیات مورد استفاده قرار گیرد. از دیدگاه این گروه، استفاده از آیات قرآن در جهت تبیین و تفسیر آیات، نخستین مرحله به شمار می‌رود ولی به هیچ وجه انحصاری برای آن قائل نیستند و نقش منابع دیگر را در تفسیر آیات منکر نیستند. دیدگاه برخی دیگر اینگونه است که استفاده از آیات قرآن در مقام تفسیر آیات، نقش انحصاری قائل‌اند و استفاده از منابع دیگر را به دلایل مختلف نمی‌پذیرند. اینان، این روش تفسیری را تنها روش صحیح تفسیری می‌دانند و معتقدند که با این روش می‌توان تمام ابهام‌ها و پرسش‌های قرآنی مربوط به آیات را پاسخ گفت.

عرصه تحقیق درباره روش تفسیری قرآن به قرآن نوپدید است. از جمله تحقیق‌هایی که در این باره به صورت کامل درباره این شیوه تفسیری، پژوهشی را سامان داده است، مربوط به پایان‌نامه‌ای است که در سال ۸۵ دفاع شده است. اما در این پایان‌نامه، مبانی و تطور تفسیر قرآن به قرآن به همراه بررسی چند تفسیر قرآن به قرآن، و عرصه‌های استفاده از آیات قرآن برای تفسیر را روشن نموده است اما با پرسشی که در این تحقیق مطرح شده است به جایگاه سنت و کارکردهای آن در این تفسیر پرداخته نشده است. از این جهت شاید گامی جدید درباره این شیوه تفسیری به شمار آید.

مسائل تحقیق

این تحقیق بر سه مسئله استوار است:

مسئله اول: سنت از دیدگاه پیروان روش تفسیری قرآن به قرآن، چه نقشی در تفسیر قرآن دارد و عملکرد آنان در تفاسیر خود چگونه بوده است؟

مسئله دوم: آیات قرآن درباره فهم و تفسیر آیات خود چه نقشی را برای سنت قائل هستند؟

مسئله سوم: معصومین (علیه السلام) در چه حوزه‌ها و چه موضوعاتی از روش تفسیری قرآن به قرآن استفاده کردند؟

فرضیات تحقیق

فرضیه اول: از دیدگاه علامه طباطبایی به عنوان یکی از طرفداران روش تفسیری قرآن به قرآن، سنت در حوزه احکام و قصص نقش تفصیلی (تکمیلی) و در حوزه اعتقادات و معارف نقش تعلیمی دارد.

فرضیه دوم: برخی از آیات، قرآن را به عنوان هادی و نور معرفی می‌کنند و برخی دیگر پیامبر را به عنوان تبیین‌کننده آیات معرفی می‌کنند.

فرضیه سوم: معصومین (علیه السلام) در حوزه اعتقادات، احکام و قصص از گونه‌های مختلف تفسیر قرآن به قرآن همچون تبیین آیات مجمل، تخصیص آیات عموم و تقیید آیات مطلق و ... استفاده کردند.

روش تحقیق

برای پاسخ به پرسش‌های فوق و انجام تحقیق مذکور لازم است سیری اجمالی در پیشینه تفسیر قرآن به قرآن داشت و نقش سنت را در این گونه تفاسیر جست. تطبیق گفته پیروان این دیدگاه با آنچه در مقام عمل بدان پایبند بودند و تعمق در آن یکی از ضرورت‌های این تحقیق به شمار می‌رود. کسانی معتقدند صاحب المیزان به عنوان احیاگر روش تفسیری قرآن به قرآن در قرن معاصر، در تفسیر خود نقش سنت را یکسر نادیده گرفته و استفاده چندانی از سنت در تفسیر آیات نداشته است.

در کنار این تفسیر، تفسیر شیعی دیگری به نام الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه از دکتر صادقی تهرانی نیز به عنوان نمونه‌ای دیگر از تفاسیر قرآن به قرآن، بررسی خواهد شد و سقم این دیدگاه را در تفسیر آنها بر خواهیم کاوید. با بررسی این دو تفسیر به ارائه شواهدی مبنی بر کارکردهای سنت در این دو تفسیر خواهیم پرداخت.

فصل اول

کلیات و تعاریف

بخش نخست: تفسیر

بخش دوم: سنت

فصل اول:

کلیات و تعاریف

در این بخش، نخست به معنای لغوی، اصطلاحی تفسیر پرداخته و ضرورت تفسیر قرآن را به اختصار بحث می‌کنیم. در بخش دوم این فصل نیز به معنای لغوی و اصطلاحی سنت پرداخته و رابطه آن را با حدیث روشن می‌کنیم.

بخش نخست: تفسیر

۱-۱- معنای تفسیر

الف) معنای لغوی

تفسیر از ریشه «فسر» و از باب ثلاثی مزید (تفعیل) آمده است و به معنای بیان و توضیح دادن است.^۱ برای آن معانی آشکار ساختن چیز پوشیده،^۲ کشف و اظهار معنای معقول^۳ نیز بیان شده است. این

۱ . الزبیدی، مرتضی، تاج العروس، تحقیق: علی سبری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴هـ، ص ۳۴۹. [ذیل ماده «فسر»]؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰هـ ج ۲، ص ۳۵۵. [ذیل واژه]، الجوهری، الصحاح، بیروت: دارالعلم المالین، ج ۲، ص ۷۸۱.

۲ . الزبیدی، تاج العروس، پیشین.

کلمه به صورت ثلاثی مجرد نیز به کار رفته است. از این رو گفته می‌شود: «فَسَرَ الشَّيْءَ» یا «فَسَّرَ الشَّيْءَ» که هر دو به یک معنا است. با این تفاوت که در معنای ثلاثی مزید آن مبالغه بیشتری نسبت به معنای ثلاثی مجرد آن وجود دارد.^۴

برخی گفته‌اند تفسیر از «سفر» مشتق شده است.^۵ سفر در لغت به معنای روشنی و انکشاف است.^۶ از این رو گفته می‌شود: «أسفر الصبح»؛ صبح آشکار شد. با صرف نظر از احتمال اشتقاق ای دو، که برخی گفته‌اند،^۷ باید گفت که «سفر» و «فسر» به لحاظ معنایی شبیه به یکدیگرند.^۸ با این تفاوت که «فسر»، بیشتر برای اظهار معنای معقول به کار می‌رود و سفر بیشتر برای آشکار ساختن اشیای خارجی. به دیگر بیان اولی بیشتر برای کشف و روشن کردن معنای معنوی و دومی بیشتر برای کشف ظاهری و مادی به کار می‌رود.^۹ این مغایرت در کاربردهای قرآنی آن نیز مشهود است.^{۱۰} بنابر این از نظر لغت‌دانان تفسیر به معنای آشکار ساختن چیزی است که مخفی باشد. نتیجه آنکه این آشکار ساختن درباره چیزی که روشن و واضح باشد به کار نمی‌رود.

۳. همان؛ الراغب الاصفهانی، مفردات غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان، بیروت: دار الشامیه، بی‌جا، ص ۳۸۰.

۴. همان.

۵. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۴۳۷.

۶. ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، پیشین.

۷. الطریحی، مجمع البحرین، پیشین.

۸. ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، پیشین.

۹. ر.ک: به کاربردهای «فسر» و «سفر» به کتاب زبیدی و ابن منظور. این سخن از سخن راغب اصفهانی درباره بیان این دو ماده نیز برداشت می‌شود: الفسر اظهار المعنی المنقول. (ر.ک: راغب اصفهانی، پیشین) در جایی دیگر نیز می‌گوید: السفر کشف الغطاء و ذلك مختص بالاعیان نحو سفر العمامه عن الرأس و الخمار عن الوجه. ر.ک: همان، ص ۲۳۳.

۱۰. به عنوان نمونه ر.ک: به آیه ۳۳ سوره فرقان و آیه ۳۴ سوره مدثر.

ب) معنای اصطلاحی

تفسیر در میان مسلمانان به تفسیر آیات قرآن انصراف ذهنی دارد. راغب اصفهانی در تعریف آن گفته است:

التفسیر فی عرف العلماء کشف معانی القرآن، و بیان المراد، أعم من أن یکون بحسب اللفظ المشکل و غیره، و بحسب المعنی الظاهر و غیره؛ تفسیر در عرف دانشمندان کشف معانی قرآن و بیان مراد است، اعم از اینکه به حسب مشکل بودن لفظ و غیر آن و به حسب معنای ظاهر و غیر آن باشد.^{۱۱}

در تعریف راغب به دو مرحله‌ای بودن تفسیر اشاره شده است. اینکه نخست باید پرده از معانی آیات قرآن برداشت که همان معنای استعمالی است و مرحله دوم درصدد کشف و بیان مراد جدی خداوند بود.

علامه طباطبایی در تعریف تفسیر این چنین گفته است:

«هو [التفسیر] بیان معانی الآیات القرآنیة و الكشف عن مقاصدها و مدالیلها؛^{۱۲} تفسیر، تبیین معنای آیات قرآن و آشکار ساختن مراد و مدلول آنها است.

در تعریف ایشان نیز به دو مرحله‌ای بودن تفسیر آیات قرآن اشاره شده است. بنابراین در تفسیر هدف اصلی آشکار ساختن مراد و مقصود خداوند از آیات قرآن است که مرحله پیشین آن، روشن ساختن معنای استعمالی آیات است.

گفتنی است که ارتباط میان معنای لغوی و اصطلاحی وجود دارد. از این رو می‌توان گفت که در تفسیر، ابهام و پیچیدگی از الفاظ قرآن زدوده می‌شود و این همان مرحله نخست تفسیر است. در مقام بعدی مفسر در پی کشف مراد خداوند از آیات قرآن است.

۱۱. این تعریف را زرکشی از راغب نقل کرده است: رک: زرکشی، بدر الدین، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد

ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۶هـ، بی‌جا، ج ۲، ص ۱۴۹.

۱۰. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

۱۴۱۷هـ، ج ۱، ص ۴.

۱-۲- ضرورت تفسیر

به صورت کلی تفسیر در جایی معنا پیدا می‌کند که نوعی ابهام در متن وجود داشته باشد. آیا قرآن نیز دارای ابهام است که نیاز به تفسیر داشته باشد؟ آنچه با ضرورت تفسیر آیات قرآن منافات پیدا می‌کند، آیاتی است که دلالت بر نور بودن قرآن دارند^{۱۳} یا آیاتی که دلالت بر روشنگر بودن همه چیز^{۱۴} می‌کند. احتمال دیگری که داده می‌شود این است که ابهام موجود در آیات مربوط به غیر قرآن است. بنابراین این سوال باید پاسخ داده شود که آیا ابهام موجود در آیات به ذات قرآن بر می‌گردد یا به عوامل بیرونی؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که برخی برآنند که درک نکردن معنای آیات به مخاطب بر می‌گردد و دامن آیات قرآن از هر گونه ابهام پاک است. آیات قرآن ذاتاً روشن است و نیاز به تبیین ندارد. آنچه سبب شده که قرآن به تفسیر نیاز پیدا کند، اموری عرضی هستند.^{۱۵} بنا بر این آیه‌ای که در آن استعاره به کار رفته است برای کسی که با زبان عربی آشنایی چندانی ندارد قابل فهم نیست. در اینجا آنچه سبب ابهام شده، کمبودی است که به مخاطب و نه به قرآن بر می‌گردد.

برخی دیگر بین نور بودن آیات قرآن و روشنگر بودن آیات آن را با نیازمندی آیات آن به تفسیر منافاتی ندیده‌اند. به عبارت دیگر، از نظر این گروه ویژگی‌های برخی آیات نیز سبب نیازمندی به تفسیر شده است. آیت الله معرفت در این باره می‌نویسد:

باید گفت اگرچه قرآن نور و هدایت و بیان است و مرجعی برای دیگران به شما می‌رود اما گاه به دلیل اموری عارضی که خارج از ذات قرآن است و برخی که ناشی از خصوصیت سبک بیانی آن است سبب ایجاد ابهام می‌شود.^{۱۶}

در مقام جمع‌بندی باید گفت که بیشتر این عوامل عرضی هستند و مربوط به قرآن نمی‌شوند. ناآشنا بودن مخاطبان با زبان عرب، رشد علم و در پی آن، ایجاد پرسش‌ها و شبهاتی متناسب با زمان جدید و ... از جمله عوامل بیرونی هستند که در کنار هم نیازمندی قرآن به تفسیر را سبب می‌شوند. اگرچه باید

۱۳. نساء/۱۷۴.

۱۴. نحل/۸۹.

۱۵. رک: معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، قم: التمهید، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۲۰.

۱۶. همان.

گفت که در نیازمندی قرآن به تفسیر، ذات قرآن، چندان بی‌نقش نیست. وجود آیات متشابه در قرآن، ذو وجوه بودن برخی آیات قرآن، و ذوبطون بودن آیات قرآن، پرداختن بیشتر به کلیات و کمتر به جزئیات که سبب اجمال برخی آیات شدند، وجود گاه الفاظ غریب و ناآشنا از جمله عواملی هستند که به خود قرآن بر می‌گردند.^{۱۷} از این رو تفسیر قرآن ضرورت می‌یابد.

بخش دوم: سنت

۱-۲- معنای سنت

الف) معنای لغوی

به معنای طریق و روش اعم از آنکه این روش، نیکو و پسندیده باشد یا ناپسند.^{۱۸}

معنای لغوی این واژه در روایتی از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) آمده است:

مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سَنَةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ وَمَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سَنَةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ.^{۱۹}

۱۷. قرآن کریم کتابی است که برای عرضه قوانین کلی و اولیه نازل گشته و محتوای آن به تبع این موضوع، باید به گونه‌ای باشد که اصول کلی هدایت بشر را در برداشته باشد. پرداختن به جزئیات برای کتابی جاودانه دور از انتظار است. کتاب جاودانه باید حاوی اصول پایدار و همیشه جاری در جوامع بشری باشد. از طرفی بیان برخی از جزئیات چه بسا سبب تحریف می‌شد. مقتضای چنین رویکردی اینست که این کتاب امور کلی را مطرح سازد و جزئیات آن را وانهد. این خود سبب اجمال آیات شده و نیازمند شرح و بیان است. افزون بر این، وجود گاه الفاظ غریب و ناآشنا در قرآن هرچند که در اوج قله فصاحت است اگر توضیح داده نشود فهم آن برای عموم مردم دشوار است. از سوی دیگر قرآن به دلیل اشمال بر معنای دقیق و مفاهیم ظریف و تعالیم و حکمت‌هایی والا درباره خلقت و اسرار هستی که توده مردم در عصر پیامبر(صلی الله علیه وآله) از درک آن ناتوان بودند، پیامبر و پس از ایشان، دانشمندان صحابه می‌بایست به شرح و تبیین جزئیات آن بپردازند. رک: معرفت، تفسیر و مفسران، پیشین.

۱۸. الزبیدی، پیشین، ج ۱۸، ص ۳۰۰. اگرچه از هری آن را تنها بر طریق نیکو و پسندیده اطلاق کرده است. به نقل از زبیدی، همان.

۱۹. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح المسلم، بیروت: دار الفکر، بی‌تا، ج ۳، ص ۸۷؛ در همین مضمون رک: مجلسی،